

توسعه اقتصادی و مفهوم بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی

مهدیس محمدخانی^۱

^۱ کارشناسی ارشد اقتصاد، گرایش توسعه و برنامه ریزی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه،

چکیده

تجدید ساختار اقتصادی به پدیده جابجایی بین دو نوع اقتصاد اشاره دارد. علت اصلی تجدید ساختار اقتصادی به نظر می‌رسد یک سری شوک‌های تقاضای خاص صنعت بوده که روند کاهشی تقاضا را در تعدادی از صنایع مهم تقویت کرده است، اگرچه تغییرات تکنولوژیک نیز در چند بخش کلیدی نقش داشت. مقاله حاضر با هدف توسعه اقتصادی و مفهوم بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی انجام گرفت. در این مقاله با استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی که به دلیل موضوع (توسعه اقتصادی و مفهوم بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی) مناسب ترین در نظر گرفته شد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که توسعه اقتصادی چیست و مفهوم بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی در طول سال ها چگونه تکامل یافته است؟ ویژگی اصلی که می توان تجدید ساختار اقتصادی را به عنوان روش تحقیق شناسایی کرد عبارت است از: اهمیت عوامل غیراقتصادی را در مطالعه هر مشکل اقتصادی تشخیص می دهد. این مقاله رویکردی را ایجاد می کند که در آن تجدید ساختار اجتماعی-اقتصادی در جوامع توضیح داده می شود. در این مقاله با استفاده از متغیرهای اشتغال، جمعیت، صنعتی زدایی، پویایی فقر و انحطاط شهری به بحث و بررسی توسعه اقتصادی و مفهوم بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: توسعه اقتصادی، بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی

۱. مقدمه

تجدید ساختار اقتصادی برای نشان دادن تغییرات در بخش های تشکیل دهنده یک اقتصاد به معنای بسیار کلی استفاده می شود. در دنیای غرب، معمولاً برای اشاره به پدیده تغییر مناطق شهری از یک پایگاه اقتصادی به بخش خدماتی استفاده می شود. این پیامدهای عمیقی برای ظرفیت های تولیدی و رقابت شهرها و مناطق دارد. این تحول بر جمعیت شناسی از جمله توزیع درآمد، اشتغال و سلسله مراتب اجتماعی تأثیر گذاشته است (استیون پینچ، ۲۰۱۵). مطالعات جغرافیایی تجدید ساختار اقتصادی به دنبال توضیح تغییرات فضایی در توسعه اقتصادی است. اصطلاح «تجدید ساختار اقتصادی» معمولاً به معنای بسیار کلی برای نشان دادن تغییرات در بخش های تشکیل دهنده یک اقتصاد استفاده می شود. از بسیاری جهات، این یک عبارت فراگیر است و عواملی مانند تغییر ماهیت بخش های صنعتی، سازمان های شرکتی، استراتژی های مدیریت، ساختارهای شغلی، فرهنگ های استخدامی و شیوه های کاری را در بر می گیرد. با این حال، اصطلاح «تجدید ساختار» با یک سری مطالعات جغرافیایی با دیدگاه های متمایز در مورد اقتصادهای در حال تغییر همراه شده است. اگرچه مجموعه ای از کانون ها، به جای یک رویکرد یکپارچه واحد، این دیدگاه ها تمایل مشترکی برای درک پیچیدگی های جغرافیایی تجدید ساختار اقتصادی بدون توسل به قوانین جهانی اقتصاد دارند که فرض می شود در همه مکان ها در همه زمان ها کار می کنند. در عوض، رفتار اقتصادی وابسته به هنجارهای فرهنگی و رویه های نهادی در مکان های خاصی در مقاطع خاصی از تاریخ توسعه سرمایه داری است. گذشته و حال توسعه اقتصادی بستر را برای آینده بلندمدت فراهم می کند. تخریب محیط زیست و تغییرات آب و هوایی مطمئناً چشم انداز توسعه را بدتر می کند و درگیری ها و مهاجرت های ناشی از استرس محیطی را تشدید می کند. موضوعات در اینجا به خوبی در ادبیات مورد بحث قرار گرفته اند (کانبور و شو، ۲۰۱۸) و اقدامات مورد نیاز نسبتاً واضح است - سؤال این است که آیا اراده سیاسی برای انجام آنها وجود دارد یا خیر.

فراتر از چالش هایی که به دلیل تغییرات اکولوژیکی و تخریب محیط زیست به وجود می آیند، یکی دیگر از چالش های برجسته که از دهه ۱۹۸۰ به وجود آمده است، کاهش جهانی سهم نیروی کار است. سهم نیروی کار به پرداخت به کارگران به عنوان سهمی از تولید ناخالص ملی در سطح ملی یا به عنوان سهمی از کل درآمد در سطح شرکت اشاره دارد. روند نزولی آن در سطح جهانی با استفاده از مشاهدات داده های اقتصاد کلان (گروسمن، ۲۰۱۷) و همچنین از داده های سطح شرکت (دیوید^۴ و همکاران، ۲۰۱۷) مشهود است.

کاهش سهم نیروی کار نشانه رشد کلی اقتصادی است که از کل درآمد نیروی کار پیشی گرفته است. بین اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۲۰۰۰، سهم نیروی کار تقریباً پنج درصد از ۵۴٫۷ درصد به ۴۹٫۹ درصد در اقتصادهای پیشرفته کاهش یافته است. تا سال ۲۰۱۵، این رقم اندکی افزایش یافت و به ۵۰٫۹ درصد رسید. در بازارهای نوظهور، سهم نیروی کار نیز بین سال های ۱۹۹۳ و ۲۰۱۵ از ۳۹٫۲ درصد به ۳۷٫۳ درصد کاهش یافته است (IMF، ۲۰۱۷). در اینجا است که تحقیقات بیشتر می تواند به طور بالقوه سود قابل توجهی در درک بیشتر ما از نحوه عملکرد بازارهای کشورهای در حال توسعه و نحوه واکنش آنها به شوک ها به دست آورد. برخی از عوامل میانجی مهم قبلاً شناسایی شده اند. اینها شامل انحرافات موجود در بازار کار است که ممکن است تصمیم گیری در مورد تغییرات تکنولوژیکی را منحرف کند (عجم اوغلو و رستروپو، ۲۰۱۸)، علاوه بر این، پاسخ های سیاستی به تغییرات فنی صرفه جویی در نیروی کار باید توسعه و اجرا شود، از جمله سرمایه گذاری عمومی در تحقیق برای توسعه نیروی

^۱Steven Pinch^۲Kanbur and Shue^۳Grossman^۴David^۵Acemoglu & Restrepo

کار کارآمد با استفاده از فناوری (کانبور^۱، ۲۰۱۸). تغییرات در ترکیب بخشی تولید و اشتغال (نسبت به تولید ناخالص داخلی سرانه) در دوره از سال ۱۹۷۰ تا حد زیادی موید پویایی رشد اقتصادی است که در بخش قبل توضیح داده شد. با این حال، برخی از تفاوت ها و هشدارهای بسیار مهم وجود دارد. اکثر اقتصادهای پیشرفته با سطوح درآمد بالا شاهد کاهش وزن نسبی تولید و اشتغال و افزایش وزن نسبی خدمات بودند. مکمل ها در این اقتصادها افزایش مداوم «خدمات مدرن» (مانند حمل و نقل، انرژی، ارتباطات و امور مالی) را تضمین می کرد که می توانستند مشاغل «مناسب» از نظر بهره وری و دستمزد ایجاد کنند. با حرکت اقتصادها به سطوح بالاتر تولید ناخالص داخلی سرانه، سهم اشتغال کشاورزی و خدمات به ترتیب کاهش و افزایش یافت (سویل آکار^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که توسعه اقتصادی چیست و مفهوم بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی در طول سال ها چگونه تکامل یافته است؟ در این مقاله با استفاده از متغیرهای اشتغال، جمعیت، صنعتی زدایی، پویایی فقر و انحطاط شهری به بحث و بررسی توسعه اقتصادی و مفهوم بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی پرداخته شده است.

۲. پیشینه پژوهش

جدول ۱ - مطالعات انجام گرفته در داخل و خارج از کشور

ردیف	نام	سال	عنوان	روش تحقیق	نتایج
۱	نگوین و همکاران	۲۰۲۲	بازسازی اقتصادی در چارچوب انقلاب صنعتی ۴،۰ در استان تایلند نگوین، ویتنام	این مقاله بر بررسی وضعیت ساختار اقتصادی استان نگوین تایلند در بسیاری از جنبه ها مانند سهم بخش های اقتصادی، فعالیت های اقتصادی، ساختار سرمایه گذاری و ساختارهای نیروی کار در بخش های اقتصادی متمرکز است.	این مطالعه مروری بر اقتصاد استان نشان داده و به محدودیت ها اشاره کرده و از این طریق چندین راه حل همزمان و امکان پذیر برای تسریع در بازسازی اقتصاد استان در چارچوب انقلاب صنعتی ۴،۰ پیشنهاد می کند.
۲	ماندل، ایرنه، هرلی، جان	۲۰۱۴	اثرات تجدید ساختار در سطح منطقه و رویکردهای مقابله با پیامدهای آن	این پروژه تحقیقاتی بر اساس تجزیه و تحلیل داده های ثانویه، بررسی ادبیات و پنج مطالعه موردی عمیق، با هدف شناسایی اثرات تجدید ساختار در مقیاس بزرگ در سطح منطقه ای انجام می شود. همچنین نمونه هایی از مدیریت موفق منطقه ای را برای حفظ و بهبود بازارهای کار و شرایط زندگی	در حالی که تجدید ساختار به طور فزاینده ای به عنوان یک ویژگی ذاتی توسعه اقتصادی پذیرفته می شود و توجه سیاست قابل توجهی را در سطح اروپا و کشورهای عضو به خود جلب می کند، دیدگاه منطقه ای در مورد آن به ندرت مورد بحث قرار می گیرد. با این حال، اکثر تجدید ساختارهای بزرگ بر مناطق و مناطق استخدامی که در آن انجام می شوند، تأثیر

^۱Kanbur

^۲Sevil Acar

				پس از یک رویداد بازسازی مهم توصیف می کند.	می گذارند
۳	استیون پینچ	۲۰۱۵	تجدید ساختار اقتصادی: جنبه های جغرافیایی	مطالعات تجدید ساختار بر فرآیندهای منتهی به بازسازی، مکانیسم هایی که از طریق آنها این بازسازی به دست می آید، و پیامدهای اجتماعی این فرآیندها از نظر عواملی مانند توزیع درآمد، ساختارهای شغلی، شیوع بیکاری و بروز دو شغله متمرکز است.	خانوارها با این وجود، می توان مطالعات بازسازی را با تعدادی از کانون های تجربی و رویکردهای نظری گروه بندی کرد: تقسیم بندی فضایی کار، «خوشه ها»، جهانی سازی، خدمات، اقتصادهای مبتنی بر دانش، شبکه و دیجیتال، و مالی سازی.
۴	مایکل فریچ	۲۰۱۹	بازسازی اقتصادی	این فصل بر دو جزء اساسی این فرآیند تمرکز دارد. اول، تعدیل هایی که توسط سازمان های فعلی انجام می شود ("از بالا به پایین")، و دوم، فرصتی برای کسب و کارها و سازمان های جدید که مکمل یا رقابت با شرکت های مستقر هستند، ورود به بازار (تحول از پایین به بالا).	این فصل دلایل مختلفی را که شرکت های مستقر را مجبور به انجام تعدیل می کنند، برجسته می کند و نشان می دهد که جزء پایین به بالا در چنین فرآیندی اهمیت قابل توجهی دارد. این امر به ویژه در صورتی صادق است که تغییرات در شرایط چارچوب ناگهانی باشد، و تعدیل ها در سمت مدیران فعلی کند باشد.
۵	جون یینگ کوی و همکاران	۲۰۲۲	تجدید ساختار اقتصادی تحت صنعت جدید: مدلی برای توسعه جهشی و رهبری	در این مقاله، یک چارچوب حداقل مدل سازی مبتنی بر شبکه برای توضیح توسعه جهشی اقتصاد عقب مانده و تغییر رهبری اقتصادی پیشنهاد شده است. در این چارچوب مدل سازی، بازسازی اقتصادی ناشی از صنایع جدید، که در برخی از کشورهای در حال رشد سریع رخ می دهد، به عنوان عامل اصلی و همچنین انتقال صنعتی بین کشورها در نظر گرفته می شود.	با استفاده از شبیه سازی های عددی، چارچوب مدل سازی را در ساده ترین حالت تنها با دو کشور اجرا می کنیم، و متوجه می شویم که تجدید ساختار اقتصادی می تواند به طور موثر پیشی گرفتن از کشور عقب مانده نسبی را ترویج کند. در ادامه مشاهده می کنیم که استقلال کشور در تعاملات اقتصادی کلید دیگر است: فقدان آن به طور جدی توسعه اقتصادی کشور عقب مانده را با مشکل مواجه می کند و در نتیجه روند سبقت را به تأخیر می اندازد. این چارچوب مدل سازی دیدگاه جدیدی برای درک رشد سریع اقتصادی در برخی کشورها ارائه می دهد.
۶	لینگفان یانگ و و	۲۰۲۲	تجدید ساختار برای رشد در	این مقاله با بررسی سیاست های حیاتی و اقدامات و اثرات آن و	در سال های اخیر، تجدید ساختار مناطق توسعه ای به عنوان موضوعی جامع و پیچیده مورد توجه قرار

	همکاران		مناطق توسعه، چین: مروری بر ادبیات و سیاست سیستماتیک (۱۹۸۴-۲۰۲۲)	همچنین تحقیقات دانشگاهی در این زمینه با تمرکز بر مراحل انتقالی، ویژگی‌ها و مکانیسم‌ها، مسیر رشد و بازسازی مناطق توسعه چین را از سال ۱۹۸۴ بررسی می‌کند. بر اساس دیدگاه‌های مختلف دانشگاهی، این کار یک چارچوب مفهومی سه جانبه متشکل از انتقال نهادی، تکامل صنعتی و تغییر کاربری اراضی را برای سیستم‌بندی فرآیند رشد ارائه می‌کند	گرفته است و چالش‌های اصلی آن ناشی از عواملی چون غلبه بر ترتیبات نهادی منسوخ، تقویت مشارکت در بازار، ترویج تراکم صنعتی پیشرفته و شکستن گلوگاه است. این مقاله از یک رویکرد منطقی و چند بعدی برای پرداختن به رشد مناطق توسعه استفاده می‌کند، و اقدامات و مطالعات مربوطه را بررسی می‌کند تا همبستگی‌های عمیق‌تر بین ابعاد مختلف را عمیق‌تر بررسی کند و منطق ذاتی و تغییرناپذیر دخیل در بازسازی را بررسی کند
۷	تانیاجورجیاویسیوهمکاران	۲۰۱۳	تجدید ساختار اقتصادی در حال انجام در پی آخرین بحران اقتصادی: دیدگاه روسیه	این مقاله با تاکید بر اقتصادهای در حال توسعه، که در آن این پدیده به سختی به سن بلوغ می‌رسد، اثرات بحران بر فرآیند سومی شدن را دنبال می‌کند. این تحقیق بر بازار فناوری اطلاعات متمرکز است، زیرا این به عنوان معیاری جامع از بلوغ و پیچیدگی بخش خدمات در نظر گرفته می‌شود.	آخرین بحران اقتصادی بحث های طولانی در مورد نقش خدمات در اقتصادهای معاصر را مورد توجه قرار داده است. بخش سوم اقتصادی چه به عنوان پشتوانه ای برای بخش تولیدی تثبیت شده و چه به تنهایی موتور رشد در نظر گرفته شود، به نقطه تمرکز سیاست گذاران در سراسر جهان تبدیل شده است.
۸	جورجآبونی	۲۰۲۰	تطبیق بازسازی اقتصادی و سیاست دموکراتیک: چالشی برای اقتصادهای نوظهور آسیایی	اقتصادهای نوظهور آسیایی با تطبیق الزامات اصلاحات اقتصادی، به معنای تحول ساختاری بلندمدت اقتصادهایشان، با حکمرانی سیاسی مؤثر مواجه هستند. این امر به افزایش بی‌ثباتی اجتماعی در موقعیت‌های مختلف، بحران فزاینده ایمان به حکومت‌داری سیاسی به طور کلی، و از جمله از دست دادن اعتماد به دموکراسی به عنوان یک سیستم حکومتی، برای ارائه پیشرفت اقتصادی مستمر کمک کرده است.	یک چالش کلیدی برای حکمرانی سیاسی، ایجاد ثبات در سیاست، با اجماع اجتماعی، برای اصلاحات اساسی اقتصادی است. این موضوع برای اقتصادهای نوظهور آسیایی که رشد متوقف شده، افزایش نابرابری و دام درآمد متوسط را تجربه کرده اند، اهمیت ویژه ای دارد. همراه با عدم اطمینان سیاسی تابلند نمونه‌ای از ماهیت موضوع و همچنین پیشنهادهایی برای گام‌های عملی و کوچک در جهت رسیدگی به چالش ارائه می‌دهد.

۳. روش تحقیق

در این مقاله با استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی که به دلیل موضوع (تجدید ساختار اقتصادی) مناسب ترین در نظر گرفته شد. دو ویژگی اصلی که می توان تجدید ساختار اقتصادی را به عنوان روش تحقیق شناسایی کرد عبارتند از: اهمیت عوامل غیراقتصادی را در مطالعه هر مشکل اقتصادی تشخیص می دهد و در واقع این عوامل دیگر را در نظر می گیرد. و به تارخچه مسئله ای که به عنوان پیش زمینه کار مطالعه می شود اهمیت بیشتری می دهد.

۴. تجدید ساختار اقتصادی و اشتغال

تجدید ساختار یک تغییر داخلی شدید یا اساسی است که روابط بین اجزا یا عناصر مختلف یک سیستم را تغییر می دهد.

رابطه بین تجدید ساختار اقتصادی و اشتغال در بسیاری از کارهای تجربی در بسیاری از کشورها مورد بررسی قرار گرفته است. گروشن و پاتر^۱ (۲۰۰۳) با استفاده از داده های قبل و بعد از رکود اقتصادی ۱۹۹۰-۱۹۹۲ و ۲۰۰۱-۲۰۰۳ در ایالات متحده دریافتند که بازسازی اقتصادی نقش مهمی در ایجاد مشاغل جدید برای اقتصاد ایفا می کند. نویسندگان همچنین به این نتیجه رسیدند که اشتغال پس از بحران بیشتر از سوی شرکت های تازه تأسیسی است که در صنایع جدید با کارگران تازه آموزش دیده فعالیت می کنند، که به این معنی است که رشد اشتغال از بهبود اقتصاد ناشی نمی شود، بلکه از تغییرات ساختار اقتصادی در مرحله بهبودی ناشی می شود. به طور مشابه، ناظم الدین (۱۹۹۶) از یک روش اقتصادسنجی برای تحلیل رگرسیون رابطه بین تجدید ساختار نیروی کار و نرخ بیکاری در اندونزی از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۶ استفاده کرد. نتایج تخمین زد که وقتی نسبت اشتغال کشاورزی کاهش می یابد و نسبت اشتغال غیرکشاورزی افزایش می یابد، نرخ بیکاری در حال کاهش است شاهین^۲ (۲۰۲۰) از روش همگرایی پانل برای بررسی تأثیر تعداد ربات های صنعتی بر اشتغال، حداقل دستمزد و بهره وری استفاده کرد. این مطالعه به داده های موجود از ۲۰۰۶-۲۰۱۷ برای ۲۲ کشور OECD وابسته است. نتایج تجزیه و تحلیل نشان می دهد که استفاده از ربات های صنعتی بر اشتغال و بهره وری بلندمدت ۲۲ کشور OECD تأثیر مثبت دارد. این بدان معناست که تجدید ساختار اقتصادی به سمت مدرنیته باعث ایجاد شغل بیشتر خواهد شد.

لی، کوواکس، و چوی (۲۰۲۰) به این نتیجه رسیدند که در مراحل اولیه صنعتی شدن، تغییرات ساختاری تأثیر بسیار قوی بر رشد بهره وری نیروی کار دارد. با این حال، زمانی که صنعتی شدن موفقیت آمیز باشد، این رابطه مبهم می شود. در این مرحله عوامل تکنولوژیکی به جای تجدید ساختار، عامل تعیین کننده رشد بهره وری نیروی کار خواهد بود.

تیل^۳ (۲۰۱۱) به طور تجربی رابطه بین بازسازی اقتصادی و کاهش فقر را در جنوب صحرای آفریقا مطالعه می کند. نتایج نشان می دهد که از سال ۱۹۸۰، تجدید ساختار اقتصادی به شدت در جهت کاهش سریع نسبت کشاورزی و صنعت تولیدی رخ داده است، اما میزان فقر و سطح بازسازی اقتصادی به وضوح همبستگی ندارند. علاوه بر این، از طریق مشاهدات آماری، تامپسون، موری و جومینی^۴ (۲۰۱۲) بازسازی اقتصادی و اشتغال در استرالیا را تحلیل کردند. این مطالعه نشان می دهد که روند تجدید ساختار اقتصادی در استرالیا نتیجه طبیعی افزایش درآمد است، اما روند بازسازی اقتصادی همچنین هزینه های قابل توجهی از بازآموزی، جابجایی و هزینه های اداری را به همراه دارد.

^۱Groshen, E. L., & Potter

^۲Şahin

^۳Teal

^۴Thompson, G., Murray, T., & Jomini, P

۵. تجدید ساختار اقتصادی و جمعیتی

از آنجایی که شهرها از دست دادن مشاغل تولیدی و رشد خدمات را تجربه می کنند، ساسکیا ساسن^۱ (۱۹۹۰) جامعه شناس تأیید می کند که گسترش سلسله مراتب اجتماعی زمانی اتفاق می افتد که مشاغل حرفه ای با درآمد بالا و حقوق بگیر در صنایع خدماتی در کنار افزایش بیشتر دستمزدهای پایین گسترش می یابند. مشاغل کم مهارت که معمولاً توسط مهاجران و اقلیت ها پر می شود. چندین اثر این قطب بندی اجتماعی شامل تمرکز فزاینده فقر در شهرهای بزرگ ایالات متحده، افزایش تمرکز جمعیت سیاهپوست و اسپانیایی تبار در شهرهای بزرگ ایالات متحده، و اشکال اجتماعی متمایز مانند طبقه پایین، اقتصاد غیررسمی، و جوامع مهاجر کارآفرین است. علاوه بر این، بخش تولید رو به انحطاط، کارگران یقه آبی را پشت سر می گذارد که بیکاری مزمن، ناامنی اقتصادی، و رکود ناشی از فرار سرمایه اقتصاد جهانی را تحمل می کنند. دستمزدها و نرخ تشکیل اتحادیه برای مشاغل تولیدی نیز کاهش می یابد. یکی دیگر از ابعاد کیفی شامل زنان شدن عرضه شغل است زیرا زنان بیشتر و بیشتر وارد نیروی کار معمولاً در بخش خدمات می شوند. هم هزینه ها و هم منافع با تجدید ساختار اقتصادی مرتبط است. کارایی بیشتر، ایجاد شغل، اصیل سازی و افزایش رقابت ملی با طرد و شمول اجتماعی همراه است. در بازار کار و مدرسه، موقعیت ضعیف در بازار مسکن، مشارکت سیاسی محدود و ادغام فرهنگی-اجتماعی محدود. برعکس، متخصصان با مهارت بالا و درآمد بالا از شمول اجتماعی با امکانات مدرن، امکانات رفاهی، مشارکت اجتماعی و دسترسی کامل به منابع عمومی لذت می برند. علاوه بر این، ویلیام جولیس ویلسون، جامعه شناس، استدلال می کند که صنعتی زدایی از اشتغال تولیدی، بیکاری را در جوامع فقیر آفریقایی-آمریکایی تشدید کرده است که با افزایش خانواده های تک مادر، نرخ بالای مرگ و میر زودرس، و افزایش نرخ زندانی شدن در میان مردان آفریقایی آمریکایی مرتبط است. با توجه به اینکه برخی از آمریکایی های آفریقایی تبار از طریق اقدامات مثبت و تحریم فرصت های برابر در آموزش و اشتغال، تحرک حرفه ای رو به بالا را به دست می آورند، آمریکایی های آفریقایی تبار بدون چنین فرصت هایی عقب می مانند. این یک شکاف طبقاتی اقتصادی رو به رشد در میان جمعیت آفریقایی آمریکایی ایجاد می کند که با تجدید ساختار اقتصادی جهانی بدون واکنش دولت به محرومان برجسته شده است. علاوه بر این، ویلسون ادعا می کند که با خروج طبقه متوسط سیاهپوست از محله های عمدتاً سیاهپوست درون شهری، شبکه های اطلاعات شغلی غیررسمی فرسوده می شوند. این امر ساکنان فقیر شهر را از بازار کار منزوی می کند و تمرکز فقر، وابستگی به رفاه، افزایش بیکاری و انزوای فیزیکی را در این مناطق ترکیب می کند (ویلسون، ویلیام، ۱۹۸۷). کاهش آموزش، مراقبت های بهداشتی، و خدمات اجتماعی و کمبود شغل برای افرادی که دارای تحصیلات و آموزش محدود هستند، همراه با انحطاط محیط های عمومی برای بازی و تفریح در فضای باز، همگی به کاهش تعداد بازی های مستقل در فضای باز کمک کرده است. جوانان به نوبه خود بر رشد حرکتی ناخالص، ساخت فرهنگی و ساخت هویت آنها تأثیر می گذارد. کودکان با اتکا به تلویزیون و سایر راه های ارتباطی، زندانی خانه می شوند. محیط های شهری معاصر فرصت های کودکان را برای ایجاد و مذاکره در فرهنگ همسالان یا کسب مهارت های اجتماعی ضروری محدود می کند. به طور کلی، بوم شناسی آنها در سال های اخیر ناشی از بازسازی جهانی فرسایش یافته است (کاتز، ۱۹۹۷). تجدید ساختار مستلزم دگرگونی عظیمی در نظم های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجود است. از اواخر دهه ۱۹۷۰، گذار اقتصادی و اجتماعی به پست فوردیسم و نئولیبرالیسم موجی از بازسازی شهری جهانی را برانگیخت و مسیرهای نواحی شهری جهانی به طور چشمگیری توسط نیروهای مختلف ساختار شکنی و تغییر شکل داده شد. مفهوم تجدید ساختار - سازماندهی مجدد چند مقیاسی قدرت دولتی، انباشت سرمایه و بدنه مادی - به عنوان یک مفهوم چند رشته ای توسعه یافته است (برنر، اشمید^۲ ۲۰۱۵). بنابراین در زمینه جهانی شدن، بازسازی مناطق توسعه به بهترین شکل به عنوان یک فرآیند پیچیده که در عین حال پویا، ناهمگن و کثرت گرایانه است دیده می شود.

^۱Sassen, Saskia^۲Brenner, N.; Schmid

پارک های صنعتی برای اولین بار به طور گسترده در بازارهای پسا فوردیست، مانند دره سیلیکون در جنوب کالیفرنیا، شمال ایتالیا و بخش هایی از بریتانیا مستقر شدند. رشد سریع صنعتی شدن ناشی از این مناطق به زودی به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی در آمریکای شمالی و اروپا در نظر گرفته شد. این گره های جهشی مبتنی بر دانش صنعتی و پیوندهای مدیریتی بودند و سپس برای تسریع تماس درونی و بین منطقه ای و تقویت شبکه های تولید جهانی برای امکان رشد سریع تر راه اندازی شدند (کائو و همکاران، ۲۰۱۸).

۶. تجدید ساختار اقتصادی و صنعتی زدایی^۲

صنعتی زدایی به فرآیند تغییرات اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد که با حذف یا کاهش فعالیت صنعتی شعله ور می شود.

صنعتی زدایی کاهش تولید در یک اقتصاد است. این یک فرآیند مرکزی در توسعه ناهموار جغرافیایی است که در سطح بین المللی در شهرها و مناطق به طور متفاوتی آشکار می شود. توضیحات برای صنعت زدایی بر تکامل و بلوغ اقتصادها، تخصص تجارت، شکست رقابتی و عدم سرمایه گذاری متمرکز است. در حالی که در ابتدا در کشورهای اولیه صنعتی در اروپا و آمریکای شمالی در شمال جهانی تجربه شد، به دنبال جهانی شدن تولید به یک پدیده بین المللی تبدیل شد و مشکل صنعتی زدایی زودرس در شهرها و مناطق در اقتصادهای نوظهور آسیا، آفریقا پدیدار شد. و آمریکای مرکزی و لاتین در جنوب جهانی. سیاست ها و سیاست ها برای رسیدگی به صنعتی زدایی از دهه ۱۹۷۰ تکامل یافتند، و از زمان بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ و «رکود بزرگ» تشدید شد و نگرانی ها در مورد مکان های «به جا مانده» و افزایش ناسیونالیسم اقتصادی و پوپولیسم افزایش یافت. با وجود صنعتی زدایی مداوم در شهرها و مناطق، تولید به دلیل نقش مولد آن به عنوان چرخ لنگر رشد اقتصادی، پتانسیل فناوری های دیجیتال جدید برای «انقلاب صنعتی چهارم» و افزایش سهم خدمات در محصولات تولیدی همچنان اهمیت دارد (اندی پایک^۳، ۲۰۲۰). «صنعت زدایی» عموماً با رشد اقتصادهای پیشرفته همراه بوده است و این اصطلاح برای تعریف کاهش سکولار اشتغال در تولید، پدیده ای که قبلاً در دهه ۱۹۶۰ شروع شده بود، استفاده می شود. بنابراین صنعتی زدایی در اقتصادهای توسعه یافته نتیجه طبیعی تغییر از تولید به سمت خدمات تلقی می شود. صنعتی زدایی خارج از پویایی اقتصادی فرض می کند که صنعتی شدن قبلاً از دوره گسترش بهره برداری کرده و به مراحل پایانی خود رسیده است (کروز، ۲۰۱۵). همچنین فرض می کند که بخش خدمات برای جذب کارگران جدید در مشاغل با کیفیت بالا بالغ شده است. صنعتی زدایی در اقتصادهای پیشرفته عموماً زمانی اتفاق می افتد که صنعتی شدن قبلاً بهره وری کلی را افزایش داده، ظرفیت های تکنولوژیکی خود را منتشر کرده و بازار داخلی را تثبیت کرده باشد (UNCTAD، ۲۰۱۶). با این حال، صنعتی زدایی به تنهایی برای توصیف مسیری که بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه با درآمد پایین و متوسط از دهه ۱۹۸۰ تجربه کرده اند، کافی نیست.

صنعتی زدایی خواه ناشی از برون سپاری، برون سپاری، روش های جدید تولید، تغییرات فن آوری یا خصوصی سازی باشد و صرف نظر از بخش صنعتی، کشمکش های اقتصادی ایجاد می کند که بر افراد و جوامع آنها تأثیر می گذارد. ۱۷ در حالی که بیشتر اقدامات صنعتی زدایی بر تعداد کارگرانی که شغل خود را از دست داده اند، تأکید می کند. ارقام افراد آسیب دیده و هزینه های اقتصادی بسیار بیشتر است. بسیاری از آنها را نمی توان اندازه گیری کرد. کارگران و خانواده های آنها به دلیل بیکاری با چندین چالش اقتصادی خاص روبرو هستند - چالش هایی که زمانی تشدید می شوند که بیکاری با تعطیلی کارخانه ها یا کاهش صنعت در مقیاس بزرگ متمرکز شود. اما این مبارزات فردی تنها بخشی از یک شبکه بزرگ و پیچیده اقتصادی است که هزینه های اجتماعی مبارزه اقتصادی را با کل جوامع تقسیم می کند. علاوه بر این، از آنجایی که جوامعی که در تنگنای

^۱Cao

^۲Deindustrialization

^۳Andy Pike

اقتصادی قرار دارند، اغلب برای کمک به دولت های ایالتی و فدرال مراجعه می کنند، هزینه های اجتماعی ناشی از صنعتی زدایی بر همه شهروندان کشور تأثیر می گذارد (میشل^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). از دست دادن شغل باعث ایجاد بحران های اقتصادی برای کارگران و خانواده های آنها می شود زیرا آنها دستمزدها و اغلب مزایا را از دست می دهند - زیان هایی که می تواند مشکلات مالی طولانی مدت ایجاد کند. این امر به ویژه زمانی صادق است که بیکاری بیش از شش ماه طول بکشد. صنعتی زدایی نه تنها با حذف مشاغل موجود، بلکه با تضعیف کیفیت مشاغل باقی مانده به کارگران و جوامع آسیب می زند، و وقتی خانواده ها و جوامع به مشاغل با کیفیت پایین تر تکیه می کنند، هزینه های اجتماعی و اقتصادی نیز به همراه دارد. این ایده که صنعتی زدایی بخشی از یک تغییر اقتصادی «طبیعی» است، این استدلال را تقویت می کند که راه حل از دست دادن شغل، آموزش مجدد است. فرض بر این است که بسیاری از مشاغل خوب در دسترس هستند، اما کارگران به طور مناسب برای آنها آماده نیستند (مور، جین^۲، ۲۰۰۸). صنعتی زدایی اغلب منجر به کاهش جمعیت می شود، چه بلافاصله پس از از دست دادن شغل و چه در سال های بعدی، زیرا برخی از کارگران آواره در جستجوی کار نقل مکان می کنند. در حالی که چنین حرکت هایی ممکن است آینده مطمئن تری را برای کارگران و خانواده هایشان فراهم کند یا ندهد، خروج آنها اثربخشی جوامعی را که پشت سر می گذارند تضعیف می کند. همانطور که رابرت پاتنام و لوئیس فلدشتاین استدلال کرده اند، سرمایه اجتماعی منبع مهمی برای پاسخگویی به چالش های جامعه است و سرمایه اجتماعی از طریق شبکه های انسانی ایجاد می شود. افرادی که در نزدیکی یکدیگر زندگی می کنند، با همکاری، بازی در لیگ های سافت بال یا بولینگ و خدمت در کمیته های کلیسا یا محله، جامعه ایجاد می کنند. آن ها یکدیگر را می شناسند، اعتماد ایجاد می کنند و حس سرمایه گذاری را در مکانی که در آن زندگی می کنند، فرهنگ و مردم آن ایجاد می کنند. به ویژه در شهرهایی که افراد زیادی برای یک شرکت یا صنعت کار می کنند، کار مشترک به این حس کمک می کند. به همین دلیل شبکه های اجتماعی در مکان هایی مانند یانگ تاون، فلینت، دره سیلیکون یا شهرهای مختلف معدنی قوی تر می شوند. وقتی مردم این مناطق را ترک می کنند، ضرر چیزی فراتر از اعداد است (روسو، جان^۳، ۲۰۰۸). صنعت زدایی داستان جدیدی نیست. همانطور که برخی پیشنهاد کرده اند، از روایت های تاریخی سنتی در مورد تکامل اقتصادی طبیعی پیروی نمی کند. کسانی که در جوامع صنعتی غیرصنعتی زندگی کرده اند، مدتهاست استدلال کرده اند که هزینه های اجتماعی و اهمیت صنعتی زدایی بزرگتر و ماندگارتر از گفتمان اقتصادی غالب در مورد «تخریب خلاق» و محو شدن اقتصاد صنعتی قدیمی است. صنعتی زدایی نتیجه مستقیم تصمیمات شرکت ها و دولتی است که نه تنها میلیون ها کارگر آمریکایی را آواره کرده است، بلکه آسیب های بزرگی به جوامع آمریکایی وارد کرده است. این آسیب ها برای شهرهای ما هزینه های اجتماعی و اقتصادی ایجاد می کند که همه می پردازند (استیون، ۲۰۰۸).

روند صنعتی زدایی شهری طولانی و ناهموار بوده است. حتی اصطلاحات «غیرصنعتی» و «پساصنعتی» نیز مورد بحث است. اکثر شهرها همچنان میزبان تولید در مقیاسی هستند. با این حال، پس از جنگ جهانی دوم، شهرهایی که برای رگ حیات خود به تولید وابسته بودند، به طور فزاینده ای اقتصاد خود را در مواجهه با تحولات جهانی، سیاسی و جمعیتی بزرگتر متنوع کردند. تولیدکنندگان فولاد، خودروسازان و دیگر غول های صنعتی که زمانی پایه های اصلی زندگی شهری بودند، درهای خود را بسته بودند، زیرا کارخانه ها و کارگران انگیزه های اقتصادی و اجتماعی را دنبال کردند تا هسته های شهری را به سمت حومه، جنوب یا کشورهای خارجی ترک کنند. تولید صنعتی باقیمانده به طور فزاینده ای خودکار شد و منجر به کاهش قابل توجهی در تعداد مشاغل کارخانه شد. مقامات شهری که با کاهش جمعیت و پایه های مالیاتی مواجه شدند، با تطبیق دارایی های خود - از نظر نیروی کار، مکان یا فرهنگ - با اقتصادهای جدید، از جمله انبارداری و توزیع، مالی، مراقبت های بهداشتی، گردشگری، صنایع اوقات فراغت مانند کازینو، و شرکت های خصوصی سازی شده پاسخ دادند. شهرهای غیرصنعتی خود را به عنوان مقصدی با

^۱Mishel^۲Moore, Jeanie^۳Russo, John

مراکز همایش، استادیوم ها و بازارهای جشنواره به بازار عرضه کردند و به دنبال جذب بازدیدکنندگان و «طبقه خلاق» ساکنان جدید بودند. در حالی که برخی از شهرهای فراصنعتی به داستان های موفقیت آمیز اختراع مجدد تبدیل شدند، برخی دیگر با مشکل مواجه شدند. آنها با کوچک کردن ردپای شهرداری، زمین های خالی برای کشاورزی شهری، یا جذب فضولان برای خیره شدن به خرابه های صنعتی خود، گزینه هایی را برای «اندازه حقوق» سرگرم کردند. خواه شهرهای صنعتی با دگرگونی آهسته یا شوک تعطیلی کارخانه های متعدد در عرض چند سال مواجه شوند، تأثیر این تغییرات اقتصادی و مداخلات برنامه ریزی شهری هم نابرابری های قدیمی را تشدید کرد و هم نابرابری های جدیدی را ایجاد کرد. (کلونه ای تافت؛ ۲۰۱۸)

۷. تجدید ساختار اقتصادی و پویایی فقر^۲

ادبیات جدیدتر بر این موضوع تمرکز کرده است که صنعت زدایی، که توسط اقتصاد جهانی رو به رشد ایجاد شده است، چه نقشی در افزایش تعداد افراد در فقر و هم در تمرکز فضایی فزاینده فقر داشته است. رشد مشاغل جدید در مناطق حومه شهر سریعتر از مناطق درون شهری رخ می دهد. این امر کار را برای ساکنان محله های فقیرنشین به طور فزاینده ای دشوار می سازد تا اشتغال داشته باشند. رشد سریع شغل در بخش خدمات تأثیر برخی از زیان های اشتغال صنعتی را کاهش داده است. با این حال، این مشاغل تمایل به پرداخت دستمزدهای نسبتاً پایین با مزایای اندک دارند. این اغلب به این معنی است که، حتی اگر افراد ساکن در محله های فقیرنشین می توانند کار را تضمین کنند، مشاغل که به دست می آورند درآمد کافی یا مزایای کافی برای رهایی آنها یا خانواده هایشان از فقر فراهم نمی کند. بنابراین، تعداد فزاینده ای از افراد فقیر کارگر ساکن در محله های فقیرنشین وجود دارد (گریگزبی،^۳ ۲۰۱۵). جانت ای کدراس (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان نقشه در حال تغییر فقر آمریکا در عصر تجدید ساختار اقتصادی و تنظیم مجدد سیاسی، هدف از این مطالعه نشان دادن این است که درک فقر در منظر جغرافیایی و تاریخی می تواند به طور قدرتمندی به بحث اجتماعی در مورد علل فقر کمک کند. من استدلال می کنم که نظریه محافظه کارانه که فقر را به کمبودهای فردی نسبت می دهد، مانند بی حالی و آرزوهای کم، وقتی پویایی فضایی فقر در ایالات متحده در نظر گرفته می شود، دچار تزلزل می شود. نقشه در حال تغییر فقر آمریکا نشان دهنده یک فرورفتگی و سستی در میان جمعیت این کشور نیست. بلکه منعکس کننده خطوط جغرافیایی تحولات اخیر در اقتصاد سیاسی آمریکا است. من با بررسی نقشه در حال تغییر فقر طی دو دهه اخیر بازسازی اقتصادی و تنظیم مجدد سیاسی در ایالات متحده شروع می کنم. سپس پنج مطالعه موردی مختصر را ارائه می کنم تا نشان دهم که فقر از نظر جغرافیایی ایجاد می شود، زیرا تغییرات در بازار و وضعیت ناشی از سطوح جهانی و ملی به طور متفاوتی به نظم اجتماعی مناطق ترجمه می شوند تا چشم اندازهای متمایزی برای ثروت یا فقر ایجاد کنند (جانت ای کدراس،^۴ ۲۰۱۵). در مجموع، این پنج تصویر، تنوع جغرافیایی را نه تنها در بروز فقر، بلکه در فرآیندهای مولد، شیوه های مقاومت یا سازگاری، و تجربه فقر نشان می دهند.

شواهد نشان می دهد که درجه واسطه گری مالی تأثیر قوی و مثبتی بر درآمد فقرا دارد (بوخاتم و بوچرا؛^۵ ۲۰۱۲). توسعه مالی می تواند فرصت های فقرا را برای دسترسی به منابع مالی رسمی با رسیدگی به علل شکست بازار مالی مانند عدم تقارن اطلاعاتی بهبود بخشد (استیگلیتز، ۱۹۹۸). همچنین، توسعه مالی می تواند فقرا را قادر به راه اندازی بنگاه های خرد کند که باعث ایجاد اشتغال بیشتر و درآمد بیشتر و در نتیجه کاهش فقر می شود. یافته های دیگر نشان می دهد که توسعه مالی ممکن

^۱Chloe E. Taft

^۲The Dynamics of Poverty

^۳Grigsby

^۴Janet E. Kodras

^۵Boukhatem, J. and Bochra

است از طریق تأثیر مثبت آن بر رشد اقتصادی به دلیل تأثیر مثبت رشد اقتصادی بر کاهش فقر، به فقرا سرایت کند. اودین^۱ و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که یک رابطه بلندمدت بین توسعه مالی، رشد اقتصادی و کاهش فقر در بنگلادش وجود دارد و توسعه مالی به کاهش فقر کمک می‌کند، اما اثر آن خطی نیست. شهباز و رحمان (۲۰۱۳) دریافتند که توسعه مالی باعث کاهش فقر در پاکستان می‌شود. شهباز و کرک پاتریک (۲۰۰۱) رابطه بین توسعه مالی و فقر را از طریق کانال رشد آزمایش کردند. آنها نتیجه می‌گیرند که یک واحد تغییر در توسعه مالی منجر به تغییر ۰٫۴ درصدی در نرخ رشد درآمد فقرا می‌شود، با این فرض که هیچ اثر مستقیمی وجود ندارد. علاوه بر این، آنها دریافتند که توسعه مالی به کاهش فقر از طریق اثر افزایش دهنده رشد تا سطح آستانه معینی از توسعه اقتصادی کمک می‌کند. جلیلیان و کرک پاتریک (۲۰۰۵) و اودین و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که توسعه مالی به کاهش فقر کمک می‌کند و تأثیر آن با سطح توسعه اقتصادی متفاوت است. به نظر می‌رسد که یک سطح آستانه معینی از توسعه مالی وجود دارد که یک اقتصاد باید قبل از اینکه بتواند از مزایای غیرمستقیم کامل برخوردار شود و خطرات آزادسازی حساب سرمایه را کاهش دهد، به آن دست یابد. میلانووی (۲۰۰۵) نشان داد که افزایش قابل توجهی در نابرابری داخلی و جهانی در طول دوره های سیاست های آزادسازی مالی جهانی وجود داشته است. در این راستا، نرخ های سود بالا که ناشی از سیاست های آزادسازی مالی است، به بنگاه های کوچک آسیب می زند و بنگاه های بزرگ را در وضعیت بسیار خوبی قرار می دهد.

آنگ و مکینین (۲۰۰۷) به طور تجربی رابطه بین آزادسازی مالی و توسعه مالی را با استفاده از داده های سری زمانی مالزی بررسی کردند. یافته های تجربی حاکی از آن است که نرخ بهره واقعی و سرکوب مالی با حذف سیاست های سرکوبگرانه، آزادسازی مالی موجب ارتقای بخش مالی کشور می شود. پرادان (۲۰۱۰) رابطه بین توسعه مالی، رشد اقتصادی و کاهش فقر در هند را از طریق داده های سری زمانی که دوره ۱۹۵۱-۲۰۰۸ را پوشش می دهد، در نظر می گیرد. بر وجود تعادل بلندمدت بین توسعه مالی، رشد اقتصادی و رابطه کاهش فقر تأکید دارد. همچنین وجود علیت یک طرفه کاهش فقر به رشد اقتصادی، رشد اقتصادی به توسعه مالی، رشد اقتصادی برای کاهش فقر و توسعه مالی به کاهش فقر را نتیجه می دهد. نتیجه می گیرد که توسعه مالی و رشد اقتصادی سهم قابل توجهی در کاهش فقر در اقتصاد دارد.

۸. تجدید ساختار اقتصادی و انحطاط شهری^۲

انحطاط اغلب از بحث تئوری و عمل شهری دور بوده است، که برعکس، معمولاً متعهد به رشد و گسترش بوده است. در سال ۱۹۷۶، هاروی مولوچ تأیید کرد که «شهر برای کسانی که حساب می کنند، یک ماشین رشد است» (مولوچ، ۱۹۷۶). این بیانیه شیوه خاصی از درک توسعه شهری را آشکار می کند که سال ها اشکال حکومت و تصمیمات فضایی را در بسیاری از شهرها تعیین کرده است. مدل سیاسی، با تمرکز بر افزایش اقتصادی، مسیر اصلی نظم و انضباط برنامه ریزی شهری را تعریف می کند که به سمت رشد فضایی می رود (رویز، ۲۰۱۲). چشم انداز شهر به عنوان یک «ماشین رشد» هم شامل این باور بود که گسترش یک الزام برای توسعه شهری است و هم اعتقاد به رشد نامحدود. به طور ضمنی، کاهش و انقباض به عنوان فرآیندهای غیرعادی در نظر گرفته شد (لینچ، ۱۹۹۰). در واقع باید از پوسیدگی اجتناب کرد یا از بین رفت تا به آنچه که شیوه مشروع توسعه در نظر گرفته می شد بازگردد: رشد.

با این حال، امروزه به طور فزاینده ای آشکار می شود که رشد دیگر یک آینده ممکن (یا حتی مطلوب) برای همه شهرها نیست (ویچمن و پالاگست، ۲۰۱۲). حتی بیشتر از آن، رونق و گسترش برخی از مناطق (حومه شهرها یا شهرهای صنعت خدمات)

^۱Uddin

^۲Urban Decline

^۳Wiechmann and Pallagst

معمولاً به هزینه سایرین (مراکز شهرها یا شهرهای صنعتی) حاصل می‌شود. از آنجایی که رشد و کوچک شدن فرآیندهای متقارن نیستند، به نظر می‌رسد باید راه‌های مناسبی برای مقابله با این چالش‌های جدید پیدا کنیم. در سال ۲۰۰۵، اسوالت مفهوم «برنامه ریزی ضعیف» و استفاده از «بزارهای نرم» را پیشنهاد کرد (اسوالت، ۲۰۰۵). انعطاف‌پذیری نیز در حال تبدیل شدن به یک رویکرد تکرارشونده برای مقابله با مشکلات پیچیده و درازمدت شهرها در حال کوچک شدن است. برخی از نویسندگان قبلاً برای «تغییر پارادایم در برنامه ریزی» درخواست کرده‌اند و متوجه شده‌اند که استراتژی‌های رشد محور عواقب انحطاط را تشدید می‌کند (پاللاگست^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). با این وجود، قبل از بررسی برخی رویکردهای جدید از طریق مطالعات موردی متعدد، باید سعی کنیم مشکلات و مسیرهای خاص شهرهای صنعتی در حال انحطاط را بهتر درک کنیم.

کوبین لینچ پیشنهاد کرد که انحطاط شهری معمولاً با تخصص شهر در یک فعالیت اقتصادی واحد مرتبط است (لینچ، ۱۹۹۰). کاهش تدریجی تنوع اقتصادی شهرهای صنعتی آسیب‌پذیری آنها را در برابر بحران‌های بخش غالب افزایش داد. با این حال، در بلندمدت، زمانی که صنعت مسلط متوقف شد یا حرکت کرد، ممکن است ظرفیت آنها برای بازیابی کاهش یابد. بنابراین ممکن است این کاهش، فقدان توانایی سازگاری با شرایط جدید، کاهش نتایج جایگزین، درک شود.

با این وجود، تحقیقات ما تاکنون نه تنها به اهمیت غیرقابل انکار پویایی جهانی در توسعه مناطق صنعتی، بلکه به ارتباط اقدامات محلی نیز اشاره کرده است (فرناندز آگوندا، ۲۰۱۰). به نظر می‌رسد تصمیم‌گیری محلی سیاسی و فضایی به تغییر شهرهای صنعتی پیچیده و انعطاف‌پذیر در ساختارهای فضایی بسیار تخصصی و شکننده‌ای که برای بهینه‌سازی تولید طراحی شده‌اند کمک کرده است. با این حال، افزایش بهره‌وری در نظر گرفته شده نیز منجر به افزایش استحکام شهر شد. به نظر می‌رسد که این ساختار باریک به حذف امکانات شهر برای تکامل در طول زمان کمک کرده است، به جز آنچه در ابتدا پیش‌بینی شده بود (رویز، ۲۰۱۲). تمرکز منابع بر رشد اقتصادی و گسترش فضایی، منجر به عدم سرمایه‌گذاری و رها شدن مناطق ساخته شده شد. به تدریج، ارزش‌های تاریخی شهر و ردپای حافظه شهری ممکن است برنامه‌ریزی مدل شهری بهینه برای شیوه تولید غالب را فراموش کرده باشند. زمانی که پارادایم اقتصادی تغییر کرد، شهرهایی که برای نیروی کار متمرکز صنعتی طراحی شده بودند، شروع به افول کردند.

بنابراین، در بسیاری از شهرهای صنعتی، تصمیمات محلی از پویایی جهانی در طول دوره رشد حمایت کرد و به تدریج توسعه آنها را شکل داد. این مدل‌ها به همراه روش‌های بعدی مواجهه با پوسیدگی، ممکن است در تعیین مسیر و تأثیر انحطاط در هر شهر نقش داشته باشند. مدل شهر که بر گسترش شهری متمرکز است متعاقباً تناسب ساختارهای شهری را برای انطباق و پذیرش انحطاط شکل می‌دهد. دو نتیجه مرتبط با این تحقیق نشان داده شده است. اول از همه، اهمیت درک کاهش در زمان، آشکار کردن پیامدهای مدل رشد در کاهش بعدی را نشان می‌دهد. از طریق این رویکرد، ما قادر خواهیم بود پوسیدگی و کوچک شدن را به عنوان مرحله‌ای از تکامل شهر و نه به عنوان آخرین وضعیت آن درک کنیم. ثانیاً، به ارتباط پاسخ محلی اشاره کرده است. بنابراین برنامه‌ریزی فضایی و اقدام شهری برای هدایت و کاهش انحطاط شهری ضروری است (فرناندز آگوندا، ۲۰۱۲).

۹. نتیجه‌گیری

یکی از پیشرفت‌های اقتصادی که اخیراً درباره آن زیاد شنیده‌ایم، تجدید ساختار است. در واقع، تجدید ساختار - به معنای واقعی کلمه، یک تغییر ساختاری در اقتصاد - به یک اصطلاح فراگیر برای توضیح سرعت نسبتاً ضعیف رشد اقتصادی و ایجاد شغل در طول توسعه فعلی تبدیل شده است. متأسفانه، در صحبت در مورد بازسازی، تحلیلگران تمایل دارند تا بر حرکت ماه به ماه یا فصل به فصل در آمارهای مهم اقتصادی مانند اشتغال حقوق و دستمزد یا تولید ناخالص داخلی (GDP) تأکید کنند. در

^۱Pallagst

نتیجه، اقتصاددانانی که نظرات خود را در مورد چشم انداز اقتصادی بر اساس یک گزارش منفرد شکل می‌دهند، غالباً نتیجه را از دست می‌دهند. هنگام بحث در مورد اثرات تجدید ساختار اقتصادی، باید بین تغییرات در فعالیت‌های اقتصادی که ماهیت گذرا دارند و تغییرات دائمی تمایز قائل شد. تغییرات ساختاری همچنین ممکن است خود را به شکل تغییرات در نیروی کار یا برخی تغییرات نهادی اجباری دولت نشان دهد که تخصیص کار و سرمایه را برای همیشه مخدوش می‌کند. یافته‌های مطالعه نشان داد که تجدید ساختار اقتصادی زیرساخت اساسی برای رقابت در بازارهای محصول است. تغییر و تجدید ساختار اقتصادی، با در جریان قرار گرفتن از تحولات مؤثر بر اقتصادهای در حال گذار و نوظهور، با هدف جذب مشارکت‌های تجربی و تحلیل سیاستی اصلی است که بر موضوعات مختلف از جمله تحلیل اقتصاد کلان، مسائل مالی، امور مالی متمرکز است. تجدید ساختار زمانی ضروری می‌شود که افزایش زیان، کاهش بهره‌وری یا کاهش سهم بازار نشان دهنده کاهش واقعی یا بالقوه در رقابت بین‌المللی یا توانایی ارائه محصولات مورد نیاز با کیفیت و قیمت رقابتی باشد. تجدید ساختار شامل تمام ابعاد تغییرات ساختاری، از جمله اصلاحات در کارایی و اندازه نسبی صنایع می‌شود. این امر خواستار جابجایی منابع - نیروی کار، سرمایه و فناوری - از یک بخش اقتصاد به بخش دیگر و گاهی در سراسر کشورها است. تجدید ساختار می‌تواند در یک شرکت، صنعت فردی یا در سطح کل بخش صنعتی رخ دهد. به همین ترتیب ممکن است به دلایل مختلف رخ دهد. طی دهه‌های گذشته شهرهای بزرگ در کشورهای پیشرفته صنعتی مسیرهای جمعیتی و اقتصادی متفاوتی را تجربه کرده‌اند. برخی از آنها به رشد جمعیت و مشاغل خود ادامه می‌دهند. بسیاری کاهش را تجربه کرده‌اند. برای توضیح روند انحطاط و پیامدهای آن، یک مدل کلی از انحطاط شهری پیشنهاد شده است. این رابطه بین اشتغال، جمعیت، نخبگان سیاسی و درآمدهای مالی شهری را مشخص می‌کند. عدم هماهنگی پاسخ‌های مناسب سیاستی در مواجهه با این تحولات می‌تواند پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای آینده توسعه اقتصادی داشته باشد. اما در عین حال نگرانی محسوسی در مورد فرآیند توسعه، پایداری و پیامدهای آن برای اقتصاد جهانی وجود دارد. با وجود افزایش سریع درآمد در کشورهای فقیرتر، شکاف بین آنها و کشورهای ثروتمند همچنان زیاد است.

منابع

Abonyi, George, *Reconciling Economic Restructuring and Democratic Politics: Challenge to Asian Emerging Economies* (January 2021). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3578431> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3578431>

Acemoglu, Daron, and Restrepo, Pascual. 2018. "The race between man and machine: Implications of technology for growth, factor shares and employment." *American Economic Review* 108(6): 1488–1542.

Andy_Pike(۲۰۲۰) *Deindustrialization*, International Encyclopedia of Human Geography (Second Edition) 2020, Pages 213-222

Ang, J. and McKibbin, W.J. (2007), "Financial liberalization, financial sector development and growth: evidence from Malaysia", *Journal of Development Economics*, Vol. 84 No. 1, pp. 215-233.

Boukhatem, J. and Bochra, M. (2012), "Effets directs du développement financier sur la pauvreté: validation empirique sur un panel de pays à bas et moyen revenu", *Mondes En Développement*, Vol. 160 No. 4, pp. 133-148, available at: <http://dx.doi.org/10.3917/med.160.0133>

- Brenner, N.; Schmid, C. Towards a new epistemology of the urban? *City* 2015, 19, 151–182.
- Cao, S.J.; Luo, X.L.; Wang, C.C. Institutional explanation of spatial evolution of development zones. *Urban Probl.* 2018, 4, 79–84.
- Chloe E. Taft(۲۰۱۸) Deindustrialization and the Postindustrial City, 1950–Present
- David, Dorn, David, Katz, Lawrence, Patterson, Christina, and van Reenen, John. 2017. “The fall of the labor share and the rise of superstar firms.” NBER Working Paper No. 23396.
- Fernández Águeda B., 2010, Planificar la ciudad industrial en declive : la región de Nantes – Saint-Nazaire in- Cornejo, C., Prada Trigo, J. y Morán Sáez, J. (coord.) *Ciudad, Territorio y Paisaje, reflexiones para una mirada multidisciplinar*, Centro de Ciencias Humanas y Sociales (CSIC) : Madrid, pp. 204-221.
- Greenhouse, Steven, *The Big Squeeze: Tough Times for American Workers*, New York: Knopf, 2008, page 203.
- Grigsby(۲۰۱۵) Urban Poverty in Neighborhoods, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)* 2015, Pages 915-918
- Groshen, E. L., & Potter, S. (2003). Has structural change contributed to a jobless recovery? *Current Issues in Economics Finance*, 9(8).
- Grossman, Gene M., Helpman, Elhanan, Oberfield, Ezra, and Sampson, Thomas. 2017. “The productivity slowdown and the declining labor share: A neoclassical exploration.” NBER Working Paper 23853.
- IMF. 2017. *World Economic Outlook*. International Monetary Fund. Washington, DC.
- Jalilian, H. and Kirkpatrick, C. (2005), “Does financial development contribute to poverty reduction?”, *Journal of Development Studies*, Vol. 41 No. 4, pp. 636-656,
- Janet E. Kodras(۲۰۱۵) The Changing Map of American Poverty in an Era of Economic Restructuring and Political Realignment, Pages 67-93 | Published online: 22 Oct 2015
- Jun-Ying Cui, Xiao-Pu Han, and Linyuan Lü(۲۰۲۲) The economic restructuring under new industry: A model for leapfrogging development and the shift of leadership, *International Journal of Modern Physics C* Vol. 30, No. 07, 1940006 (2019)
- Kanbur, Ravi, and Shue, Henry (eds.). 2018. *Climate Justice: Integrating Economics and Philosophy*. Oxford: Oxford University Press.
- Kanbur, Ravi. 2018. “Inequality and the openness of borders.” Cornell University, Dyson Working Paper 2018–10.
- Katz, indi (1997), *Disintegrating Developments: Global Economic Restructuring and the Eroding of Ecologies of Youth*, Routledge
- Li, Q., Kovacs, J. F., & Choi, G. H. (2020). High-technology employment growth in China: geographic disparities in economic structure and sectoral performance. *Economic Change Restructuring*, 1-40.
- Lingfan Yang, Xiaolong Luo, Ziyao Ding, Xiaoman Liu and Zongni Gu(۲۰۲۲) Restructuring for Growth in Development Zones, China: A Systematic Literature and Policy Review (1984–2022), *Land* 2022, 11(7), 972

Mandl, Irene; Hurley, John(۲۰۱۴) Effects of restructuring at regional level and approaches to dealing with the consequences,

Michael Fritsch, *Economic Restructuring*. In: *The Handbook of Political, Social, and Economic Transformation*. Edited by Wolfgang Merkel, Raj Kollmorgen and Hans-Jürgen Wagoner, Oxford University Press (2019). © Oxford University Press.

Milanovic, B. (2005), *Worlds Apart: Measuring International and Global Inequality*, Princeton University Press, Princeton.

Mishel, Lawrence; Bernstein, Jared; Allegretto, Sylvia, *The State of Working America 2006/2007*, Ithaca and London: ILR/Cornell UP, 2008, 226230.

Molotch H., 1976, *The City as a Growth Machine: Toward a Political Economy of Place*, *American Journal of Sociology*, vol. 82, n°2, sept., pp. 309-332.

Moore, Jeanie, "The Rebirth of Kannapolis," in testimony before the House Science and Technology subcommittee on investigation and oversight, Washington, D.C., June 24, 2008.

Nguyen Thi Thu Ha, Ta Thi Thanh Huyen, Pham Thi Ngoc Van(۲۰۲۲) *Economic Restructuring in the Context of Industrial Revolution 4.0 in Thai Nguyen Province, Vietnam*, Vol. 2 No. 4 (2022)

Pallagst K. et al., 2009, *The future of shrinking cities: problems, patterns and strategies of urban transformation in a global context*, Berkeley: University of California.

Ruiz Sánchez J., 2012, "Ciudad, complejidad y energía" *Ciudad y Territorio. Estudios territoriales*, n° 171, p. 73-86.

Russo, John, in testimony before the House Science and Technology subcommittee on investigation and oversight, Washington, D.C., June 24, 2008.

Şahin, L. (2020). Impacts of industrial robot usage on international labor markets and productivity: Evidences from 22 OECD countries. *Journal of International Studies*, Vol.13(3).

Sassen, Saskia (1990), *Economic Restructuring and the American City*, *Annual Review of Sociology*

Sevil Acar, Ebru Voyvoda, Erinc Yeldan(۲۰۱۸) Chapter 2 - Patterns of Growth in Dual Economies: Challenges of Development in the 21st Century, *Macroeconomics of Climate Change in a Dualistic Economy, A Regional General Equilibrium Analysis*, 2018, Pages 13-63

Shahbaz, M. and Rehman, I.U. (2013), "Multivariate-based granger causality between financial development and poverty: the case of Pakistan", MPRA paper No. 50834,

Steven Pinch (2015). "Economic Restructuring: Geographic Aspects". *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)*: 61–66.

Steven Pinch(۲۰۱۵) *Economic Restructuring: Geographic Aspects*, In book: *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*

Tania Georgia Viciu, Mihaela Toma, Diana Larisa Țâmpu(۲۰۱۳) Ongoing Economic Restructuring in the Wake of the Latest Economic Crisis: A Russian Perspective, *Procedia Economics and Finance* Volume 6, 2013, Pages 161-168

Teal, F. (2011). Structural Transformation, Employment Creation, and Labor Markets: the implications for poverty reduction in sub-Saharan Africa. In: Citeaser.

Thompson, G., Murray, T., & Jomini, P. (2012). *Trade, employment and structural change: The Australian experience*. Retrieved from

Uddin, G.S., Shahbaz, M., Arouri, M. and Teulon, F. (2014), “*Financial development and poverty reduction nexus: a cointegration and causality analysis in Bangladesh*”, *Economic Modelling*, Vol. 36, pp. 405-412, available at: <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2013.09.049>

Wiechmann Th., Pallagst K., 2012, Urban Shrinkage in Germany and the USA: a Comparison of Transformation patterns and Local Strategies, *International Journal of Urban and Regional Research*, vol. 32, n° 2, March, pp. 261-280.

Wilson, William J. (1987), *The Truly Disadvantaged: the Inner City, the Underclass, and Public Policy*, University of Chicago Press.